

معیار و اساس دینداری عقلانیت است

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی سبحانی با اشاره به روایتی که در عظمت عقل صادر شده بیان کرد:



حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی سبحانی با اشاره به روایتی که در عظمت عقل صادر شده بیان کرد: بنا به فرمایش معصوم(ع) هر کسی عاقل است، دین دارد و هر کسی دین دارد وارد بهشت می‌شود. پس دین و دینداری در همه وجوه وابسته به عقل است و اساس دینداری را باید عقل دانست.

به گزارش ایکن، درسگفتار «منظومه معارف اهل بیت(ع) در کتاب کافی کلینی»، امروز ۱۶ تیر در کانال تلگرامی حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی سبحانی، رئیس انجمن کلام اسلامی حوزه علمیه منتشر شد که در ادامه متن آن را می‌خوانید؛

روایت اول از کتاب العقل و الجهل کافی بحث در باب خلقت مستقل وجود عقل است. در روایت دیگری از همین کتاب بیان شده که عقل اولین مخلوق است. یکی دیگر از مباحث نیز جایگاه عقل از دیدگاه اهل بیت(ع) است و در حدیث قدسی نیز آمده است که خداوند عقل را به عنوان زیباترین و دوست داشتنی‌ترین مخلوق خود نامیده و گفته این کمال به بهترین خلق عطا می‌شود؛ یعنی هم خودش مهم‌ترین و دوست داشتنی‌ترین نعمت خداست و هم به بهترین خلق عطا می‌شود و میزان ثواب و عقاب و میزان تکلیف به داشتن عقل است.

لازمه عقل، حیا و دین است و چیزی است که خداوند با آن عبادت می‌شود و بهشت با آن کسب می‌شود و همچنین دوست هر کسی عقل او و دشمنش جهل اوست؛ یعنی یکی از آثار عقل این است که همیشه انسان، دوست و همراهی را با خودش دارد. مهم‌ترین روایت این بخش نیز این است که هر کسی عاقل است، دین دارد و هر کسی دین دارد وارد بهشت می‌شود. پس دین و دینداری در همه وجوه وابسته به عقل است و اساس دینداری را باید عقل دانست.

عقل میزان مذاقه در کار حسابرسی بندگان

یکسری از روایات نیز در باب ارزش عقل است. روایات زیبا و مهمی در این باب در کتاب کافی آمده که نشان می‌دهد عقل از چه جایگاهی برخوردار است و با وجود عقل چه نتایجی در مقام و مرتبه انسانی برای این موجود حاصل می‌شود؛ هم آن چه که در این دنیا از طریق عقل برای ما پیدا می‌شود و هم آن چه در روز قیامت به عنوان نتیجه فعالیت‌های انسان به دست می‌آید.

روایت هفتم از کتاب عقل و جهل کافی این تعبیر را دارد که امام باقر(ع) فرمود میزان مذاقه در کار حسابرسی بندگان در روز قیامت به اندازه عقلی است که در دنیا به انسان داده شده است و به هر میزان که به انسان عقل داده اند، به همان میزان هم دقت نظر صورت می‌گیرد. بنابراین میزان اندازه‌گیری در قیامت نیز یکسان نیست و در روایات اهل بیت(ع) یکی از مهم‌ترین عوامل تفاوت حسابرسی در کار انسان‌ها، میزان عقلی است که در دنیا به آنها داده شده است. ظاهر روایت این است که اگر کسی عقل کمتری دارد، کمتر هم حسابرسی می‌شود و اگر هم از عقل بیشتری بهره‌مند باشد، کارش بیشتر حساب و کتاب می‌شود.

دینداری تابع عقلانیت است

روایت هشتم این است که راوی شرح حال فردی را می‌گوید که ظاهراً یکی از کسانی است که امام صادق(ع) نیز او را می‌شناسد. می‌گوید فلانی عجب اهل عبادت است و چقدر در مسائل دینی دقت دارد و کمالات مختلفی دارد. امام(ع) فرمودند عقل او چطور است؟ راوی می‌گوید گفتم نمی‌دانم. حضرت فرمودند: به میزان عقل افراد است که دیگر کارهای آنها نیز سنجش می‌شود. البته نه اینکه عبادت و دقت در امور دینی مهم نیست و به حساب نمی‌آید، اما ارزشش را از میزان عقل می‌گیرد. آدمی که اهل تعقل و فهم عقلانی است، حساب کار خودش را با عقل می‌سنجد؛ یعنی حساب عبادات و اخلاقیات و اعمالش با عقل است و معیار این میزان، عقل است.

سپس حضرت(ع) آن داستان را نقل کردند که مردی از بنی اسرائیل در یک جزیره ای فقط عبادت می‌کرد. یکی از فرشتگان از آن جزیره گذشت و تعجب کرد از اینکه یک آدم تمام زندگی خود را به بندگی خدا اختصاص داده است. از خدا خواست که ثواب این بندگی را نشانش دهد. میزان درجه و مرتبه او را نشان دادند و مشخص شد که بسیار ثواب اندکی برای او در نظر گرفته شده است. خداوند فرمود اگر متعجب هستی یک مدتی با او زندگی کن و ببین حال او چطور است. این ملک در کنار این عابد قدری زندگی کرد و کم کم از احوالش پرسید. دید این آدم از حیث عقلی مشکل دارد. گفت خدای تو کیست و نسبت تو با خدا چیست؟

گفت این جزیره خیلی خالی است و اگر خدا یک الاغی داشت و اینجا می بست، استفاده می شد. این ملک دید میزان فهم این عابد و میزان خدانشناسی اش در این حد است.

اینجا یاد داستان مولوی می افتیم که مولوی به آن فرد رسید و او نیز خدانشناسی اش را عرضه کرد و در این داستان ظاهراً آن فرد قدر و قیمت دارد و موسی(ع) نیز در مقابلش کم آورد، اما ظاهر بیان امام صادق(ع) خلاف آن است. حضرت(ع) می گویند این مرد بنی اسرائیلی ثوابش اندک بود؛ چون فهم و درکش از خدانشناسی اندک بود و به دلیل سطح پایین درکش از خدانشناسی، تلاش ها و کوشش هایش نیز ارزش اندکی دارد. بنابراین، میزان بندگی و اطاعت و دینداری، به عقل و تعالی عقلانی وابسته است.

روایت نهم نیز همین بیان است و نکته بسیار مهمی دارد. از پیامبر اکرم(ص) نقل شده هر زمان در باب نیکی های کسی برای شما چیزی نقل کردند سریع بپرسید که عقلش چگونه است. چون معیار، آن درک عقلی و دریافت درست او از حقیقت و واقعیت است. روایت یازدهم نیز در همین راستاست و از پیامبر اکرم(ص) نقل شده که خداوند چیزی را بافضیلت تر از عقل بینندگان تقسیم نکرده است. سپس حضرت(ع) فرمودند که خواب عاقل بهتر از جاهلی است که در شب احیا می گیرد و در ادامه می گویند خداوند هیچ پیامبری برنگزید مگر اینکه عقل را در او کامل کرد. همچنین می گویند عقل انبیاء از عقل دیگران بالاتر است. نبی، نبی است؛ چون عقلش بالاترین عقل است یا یک امتیاز بزرگ او این است که عقلش نسبت به عقل امت برتر است و سپس امام(ع) فرمودند که آنچه را پیامبر(ص) در دل دارد از اجتهاد همه تلاشگران امت خودش بالاتر است. چرا عمل پیامبر(ص) بافضیلت تر است؟

بنابراین، پیامبر(ص) چون اعقل عقول امت است، پس عملش هم بالاترین امتیاز و فضیلت را دارد. در روایت آمده که بنده واجبات خدا را ادا نمی کند تا اینکه آن را از روی عقل و از روی فهم عقلانی به درستی درک کند. نکته اینکه، ما در فقه خود این را به عنوان یکی از شرایط امتثال به حساب نمی آوریم و اصلش این است که فرد حکم را بداند و طبق حکم نیز عمل کند. اما ظاهر روایت این است که حضرت می گویند امتثال حقیقی واجبات الهی، به درک درست عقلانی و فهم حقیقی از آن حکم است؛ یعنی اگر کسی امر مولا را می شنود و ظاهر امتثال را انجام می دهد، ادای امر بندگی را نکرده است و یکی از شرایط ادای بندگی این است که امر مولا را به حقیقت بشناسند.

یکی از ملاک های بندگی خدا فهم عقلانی دستور خداست و اینکه بداند او در نسبت با خدا چه مرتبه ای دارد و چه کسی را بندگی می کند و ربوبیت الهی را بشناسد و مقام اسماء و صفات را بداند. انسان هرچه از خود و خدا بیشتر بداند، بندگی او معنادارتر و عمیق تر است و یک تسبیح او به اندازه یکصد رکعت فردی دیگر می ارزد؛ چون بندگی و عبادت و اطاعت به ظاهر نیست، بلکه به حقیقت عبودیت است و این حقیقت زمانی اتفاق می افتد که انسان به درستی خودش و مقام الهی را بشناسد. در این صورت یک خدمت به خلق او به اندازه یک نماز شب فرد دیگری می ارزد.